

توصیه‌های امیر المؤمنین علیه السلام به کمیل بن زیاد نخعی

راضیه مرزانی*

اشاره

سخنانی که امیرالمؤمنین، علی علیه السلام به کمیل بن زیاد نخعی بیان فرمودند، به‌عنوان گنجینه‌ای از حکمت و معرفت در دینی عمیق و جامع، می‌تواند چراغ راهی برای انسان‌های جویای حقیقت و معنویت باشد. این کلمات، نه تنها معانی عمیق و بلندی از خود به‌جا می‌گذارند، بلکه در عین سادگی، دعوت به تأمل و اندیشه عمیق درباره زندگی و مسیر آن می‌کنند. در این سخنان، امام علیه السلام به ارائه اصولی فراگیر در مسیری می‌پردازد که نه تنها به عبودیت الهی و نزدیک شدن به خالق یکتا منجر می‌شود، بلکه برای زندگی در جامعه و برقراری روابط انسانی و اخلاقی نیز تأکید فراوانی دارد.

در دنیای امروز، با وجود پیشرفت‌های تکنولوژیک و فرهنگی، انسان‌ها هنوز هم در جستجوی معنا و هدفی والاتر در زندگی خود هستند. زندگی رحمانی، که به معنای زندگی با محوریت ارزش‌ها و اصول انسانی و الهی است، روشی است که نه تنها انسان را در برابر چالش‌های زندگی پیروز می‌سازد، بلکه او را به تعالی و رستگاری می‌رساند. سخنان امام علی علیه السلام به کمیل بن زیاد نخعی، بهترین الگوی این سبک زندگی را ترسیم می‌کند و می‌تواند به‌عنوان دستمایه‌ای برای بررسی اصول زندگی ارزشمند و متعالی در نظر گرفته شود.

در این نوشتار به بررسی محتوای کلام امام علیه السلام به کمیل خواهیم پرداخت و تلاش خواهیم کرد تا ابعاد مختلف زندگی رحمانی را که در این سخنان نهفته است، مورد تحلیل قرار دهیم.

کمیل بن زیاد کیست؟

کمیل بن زیاد نخعی از یاران نزدیک امام علی علیه السلام و مرد شریف و با نفوذی در بین قومش و از

* دانش‌آموخته حوزه علمیه خواهران و کارشناس ارشد رشته مطالعات زن و خانواده.

عباد کوفه بود.^۱ کمیل بن زیاد از اصحاب خاص علی علیه السلام بود که امام علیه السلام بسیاری از مسائل را با او در میان می گذاشت. روایات و دعاهای بسیاری از آن حضرت نقل می کند که یکی از آنها دعای معروف کمیل است.^۲

منابع روایت

این حدیث را ابن شعبه الحرّانی در کتاب «تحف العقول»، جلد اول، صفحه ۱۷۱، در باب «وصیت امام علی علیه السلام به کمیل بن زیاد» و در ذیل باب «ما روی عن امیر المؤمنین علیه السلام» آورده است. همچنین، علامه محمدباقر مجلسی رحمته الله این حدیث را در کتاب «بحار الأنوار»، جلد ۷۴، صفحه ۴۱۲، در باب پانزدهم با عنوان «مواعظ امیر المؤمنین علیه السلام و خطبه و حکمت های ایشان» ذکر کرده است.

این نوشتار، بخشی از متن روایت را بیان کرده و در مورد آن توضیحاتی بیان می کند.

۱. معرفت مقدمه حرکت

«یا کَمیلُ ما مِنْ حَرَکَةٍ إِلَّا وَأَنْتَ مُحتاجٌ فیها إلی مَعْرِفَةٍ؛ ای کمیل! هیچ کاری نیست مگر اینکه تو در آن نیازمند شناخت هستی.»

شناخت به عنوان مهم ترین و ابتدایی ترین مولفه در مسیر رسیدن به اهداف، به ما این امکان را می دهد که درک عمیقی از خود، محیط، چالش ها و موانع پیدا کنیم. وقتی هدفی را تعیین می کنیم، مرحله اول، شناخت دقیق از آن هدف و دلایل دستیابی به آن است. این شناخت ما را قادر می سازد تا برنامه ریزی مؤثری داشته باشیم و منابع و توانمندی های خود را به درستی شناسایی کنیم. همچنین، آگاهی از موانع و چالش هایی که در مسیر وجود دارند، به ما این فرصت را می دهد که راهکارهای مناسبی برای غلبه بر آنها بیابیم. در نهایت، شناخت نه تنها ما را به هدف نزدیک تر می کند، بلکه باعث می شود در طول مسیر انگیزه و پشتکار لازم را حفظ کنیم. بنابراین، سرمایه گذاری در شناخت، کلید ورود به هر مرحله از سفر موفقیت است.

شاید این امر در ابتدا، یک امر بدیهی باشد که هر انسانی در رفتارها و زندگی خود این کار را انجام می دهد، ولی کفایت به رفتارهای افرادی که در کنارمان زندگی می کنند، دیده بیفکنیم تا فقدان این امر را مشاهده کنیم. چه افرادی که به راحتی هر هدفی را آینه راه خود می دهند، در

۱. محمد ابن سعد، الطبقات الكبرى، ج ۶، ص ۲۱۷.

۲. عباس محدث قمی، مفاتیح الجنان، دعای کمیل.

حالی که اندک شناختی نسبت به آن هدف و نتیجه کار خویش ندارند. بنابراین باید از کسانی که اهل دانش هستند و هدف و مسیر را میدانند آموخت:

قطع این مرحله بی همراهی خضر مکن
ظلمات است بترس از خطر
گمراهی^۱

۲. آموزش شکرگزاری

یکی از موضوعاتی که اسلام بدان سفارش دارد، آموزش دیگران به رفتارهای مناسب است که این امر اگر غیر مستقیم صورت بگیرد، می‌تواند آثار بیشتری داشته باشد. در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است: «كُونُوا دُعَاةَ لِلنَّاسِ بِالْخَيْرِ بَعِيرِ أَلْسِنَتِكُمْ لِيَرَوْا مِنْكُمْ الْاجْتِهَادَ وَالصَّدْقَ وَالْوَرَعَ»^۲؛ مردم را به غیر زبان (بلکه با کردار) خود به خیر و نیکو کاری دعوت کنید، مردم باید کوشش در عبادت و راست‌گویی و پرهیزکاری شما را ببینند.»

آموزش غیر مستقیم و تذکر عیب‌های دیگران به شیوه‌ای مؤدبانه و مناسب، در روایات اسلامی به عنوان یک روش اخلاقی و تربیتی تشویق شده است. دلایل و فواید این رویکرد به چند مورد کلیدی بستگی دارد:

آموزش غیر مستقیم و تذکر بدون اشاره مستقیم به عیوب فرد، می‌تواند به حفظ کرامت و عزت نفس او کمک می‌کند. این روش، به فرد احساس پذیرش و احترام می‌دهد و از ایجاد حس انسداد و شرم جلوگیری می‌کند.

جدای از آن روش‌های غیر مستقیم معمولاً باعث می‌شوند فرد به جای دفاع از خود و یا واکنش منفی، به درک و تحلیل عیب‌های خود پردازد. این رویکرد می‌تواند به یادگیری مؤثرتر و پذیرش بهتر منجر شود. امام علی علیه السلام خطاب به کمیل فرمود: «يَا كَمِيلُ إِذَا اسْتَوْفَيْتَ طَعَامَكَ فَأَحْمَدِ اللَّهَ عَلَى مَا رَزَقَكَ وَارْفَعْ بِدَلِكِ صَوْتَكَ لِيَحْمَدَهُ سِوَاكَ فَيَعْظُمَ بِدَلِكِ أَجْرُكَ؛ ای کمیل! چون غذایت را به پایان بردی با صدای بلند خدا را بر آنچه روزی‌ات ساخته شکر گوی تا غیر تو نیز خدا را شکر گویند و به این کار ثواب تو بیشتر گردد.»

امام علیه السلام در این بیان ارزشمند خود به کمیل از او می‌خواهند که شکر خدا را پس از هر طعام خود داشته باشند و این کار را نیز به دیگران به صورت غیر مستقیم آموزش دهند؛ بدین صورت که

۱. حافظ شیرازی.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۰۵.

پس از به پایان رسیدن غذای خود، با صدای بلند حمد الهی را به جای آورند تا دیگرانی که با او هم سفره هستند، یاد بگیرند که این کار را انجام دهند.

۳. برکت در مال

برکت، به معنای فزونی در خیر است،^۱ علامه طباطبایی رحمته الله علیه برکت را به معنای ثبوت خیر فراوان در چیزی می‌داند مانند ثبوت آب در برکه،^۲ وی هم چنان آن را واژه‌ای نسبی دانسته که بر این اساس، خیر در هر چیزی، متناسب با ظرفیت و کارکرد آن است؛ مثلاً برکت در نسل، به فراوانی فرزندان، و برکت در وقت، اشاره به گستردگی کارهای انسان در زمانی خاص اشاره دارد.^۳

انسان‌ها به‌طور طبیعی به دنبال افزایش ثروت و دارایی‌های خود هستند. این امر به دلایل متعددی مانند تأمین نیازهای روزمره، بهبود شرایط زندگی، و ایجاد امن‌سازی مالی برای آینده صورت می‌گیرد. اما در این میان، نکته‌ای حائز اهمیت وجود وجود دارد و آن این است که بسیاری از افراد در تلاش برای افزایش ثروت خود، بیشتر بر روی جمع‌آوری سرمایه و دارایی متمرکز می‌کنند و کمتر به مفهوم عمیق‌تری به نام «برکت» توجه دارند.

در حالی که ثروت می‌تواند به سادگی با جمع‌آوری دارایی‌های مادی افزایش یابد، برکت به عمق رضایت، آرامش و مفید بودن آن دارایی‌ها برمی‌گردد. به عبارت دیگر، ممکن است فردی ثروت زیادی داشته باشد، اما احساس خوشبختی و آرامش نکند. در مقابل، فردی که دارای منابع کمتری است، اما برکت را تجربه می‌کند، ممکن است زندگی با معنا و رضایت‌بخش‌تری داشته باشد.

در این گفتگو، حضرت برای کمیل سه عامل مؤثر و مهم در افزایش برکت در مال را بیان می‌دارند:

«يَا كَمِيلُ الْبِرْكَهُ فِي مَالٍ مَنْ آتَى الزَّكَاةَ وَوَأَسَى الْمُؤْمِنِينَ وَوَصَلَ الْأَقْرَبِينَ؛ ای کمیل! مال کسی برکت دارد که زکاتش را بپردازد، مؤمنان را یاری رساند و صله رحم کند.»

۴. رسیدگی به خویشاوندان مؤمن

یکی دیگر از سفارشات که امام علی علیه السلام به کمیل بن زیاد دارند، توجه به خویشاوندان و نزدیکان

۱. علی اکبر دهخدا، امثال و حکم، ج ۱، ص ۱۰۴، ۱۱۴، ۳۵۹.

۲. محمدحسین طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۱۵، ص ۱۷۳.

۳. همان، ج ۷، ص ۲۸۰-۲۸۱.

با ایمان است. در فرازی امام المتقین، علی علیه السلام به کمیل بن زیاد این‌گونه می‌فرماید: «يَا كَمِيلُ زِدْ قَرَابَتَكَ الْمُؤْمِنَ عَلَى مَا تُعْطِي سِوَاهُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ كُنْ بِهِمْ أَرْأَفَ وَ عَلَيْهِمْ أَغْظَفَ وَ تَصَدَّقْ عَلَى الْمَسَاكِينِ؛ ای کمیل! به خویشان با ایمان بیش از دیگر مؤمنین بخشش کن و با آنان مهربانتر و بر آنان دلسوزتر باش و به تهی دستان صدقه بده»

توجه به خویشاوندان و حمایت از ایشان در فرهنگ‌های مختلف، و به‌ویژه در دین اسلام، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این موضوع نه تنها به‌عنوان یک الزام اخلاقی و اجتماعی، بلکه به‌عنوان یک ابزار مؤثر برای تقویت روابط انسانی و اجتماعی به‌شمار می‌آید. یکی از ثمرات که توجه به خویشاوندان می‌تواند به‌همراه داشته‌باشد، تقویت روابط عاطفی و محبت میان افراد و نیز تقویت احساس تعلق به یک خانواده و جامعه است.

صله‌ی رحم تنها به دیدن و ملاقات کردن نیست، کمک‌های مالی نیز از مصادیق صله رحم به‌شمار می‌رود.^۱ در سوره نساء نیز آمده است: «وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا»؛^۲ و از خدایی پرهیزید که (همگی به عظمت او معترفید؛ و) هنگامی که چیزی از یکدیگر می‌خواهید، نام او را می‌برید! (و نیز) (از قطع رابطه با) خویشاوندان خود، پرهیز کنید! زیرا خداوند، مراقب شماست.

تا که گردد مدت عمر تو بیش	رو به پرسیدن بر خویشان خویش
بی گمان نقصان پذیرد عمر او	هر که گرداند ز خویشاوند رو
جسم خود قوت عقارب می‌کند	هر که او ترک اقارب می‌کند
بدتر از قطع رحم چیزی مدان	گرچه خویشان تو باشند از بدان
نامش از روی بدی افسانه شد. ^۳	هر که او از خویش خود بیگانه شد

۵. زینت‌های مؤمن

یکی از زیباترین فرازهای این حدیث، در جایی است که امام علی علیه السلام برخی از ویژگی‌های مؤمن را برای کمیل بن زیاد بیان می‌داند. حضرت علیه السلام می‌فرماید: «يَا كَمِيلُ أَحْسَنُ حَلِيَّةِ الْمُؤْمِنِ

۱. محسن قرآنی، تفسیر نور، ج ۴، ص ۳۴۱.

۲. نساء: ۱.

۳. فرید الدین عطار نیشابوری، پندنامه.

التَّوَّاضُعُ وَ جَمَالِهِ التَّعَنُّفُ وَ شَرَفُهُ التَّفَقُّهُ وَ عِزَّةُ تَرْكِ الْقَالِ وَ الْقَيْلِ؛ ای کمیل! نیکوترین زینت مؤمن فروتنی است و زیبایی مومن پاک‌دامنی و شرفش فهم عمیق دین و عزتش دوری از قیل و قال [مجادله] است.»

در اصل در این فراز امام علیه السلام به ۴ ویژگی مؤمن اشاره می‌کنند:

۱. **تواضع:** در لغت به معنای فرو نهادن^۱ و خویش را کوچک نشان دادن^۲ است، و در اصطلاح به معنای آن است که انسان، خود را از کسانی که در جاه و مقام از او پایین‌ترند، برتر نداند.^۳ باید توجه داشت که مفهوم تواضع به معنای کوچکی کردن و به دیگران ارج نهادن است، نه خوار کردن خود و زیر بار ذلت رفتن، بنابراین تواضع آن است که انسان خود را از کسانی که در جاه و مقام از او پایین‌ترند، برتر نداند و نیز به معنای افتادگی آمده است که آدمی خود را از دیگران بالاتر نبیند.

در حدیثی از رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌خوانیم: «مَا لِي لَا أَرَى عَلَيْكُمْ حَلَاوَةَ الْعِبَادَةِ؟ قَالُوا وَمَا حَلَاوَةُ الْعِبَادَةِ؟ قَالَ التَّوَّاضُعُ؛^۴ چه می‌شود که شیرینی عبادت را در شما نمی‌بینم؟ عرض کردند: شیرینی عبادت چیست؟ فرمود: تواضع است!»

ابوطالب کلیم همدانی از شعرای قرن یازدهم و دوازدهم در وصف تواضع این‌گونه می‌گوید:
تواضع پایه اقبال مندوست
به قدر خاکساری سربلندیست
در او شاه جهان مسند نشین است
کدامین سربلندی بیش ازین است

۲. **پاک‌دامنی:** عفت از فضائل اخلاقی^۵ به معنای پاک‌دامنی و خویش‌داری، به ایجاد حالتی در نفس اشاره دارد که انسان به وسیله آن از غلبه شهوات^۶ و از انجام محرمات به‌ویژه شهوات حرام دوری می‌کند.^۷ واژه عفت بر حالت خویش‌داری زن در برابر نامحرم و حفظ آبرو

۱. حسن مصطفوی،، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۱۳، ص ۱۳۰.

۲. حسین بن محمد راغب اصفهانی، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، ج ۴، ص ۴۶۴.

۳. نراقی، ملا احمد، معراج السعاده، ص ۳۰۰.

۴. ملا محسن فیض کاشانی، المحجة البيضاء، ج ۶، ص ۲۲۲.

۵. ملا مهدی نراقی، جامع السعادات، ج ۱، ص ۸۵.

۶. راغب اصفهانی، مفردات، ذیل واژه عفت.

۷. علی اکبر دهخدا، لغت نامه، ذیل واژه عفت.

و پاک‌دامنی نیز به کار رفته است.^۱ عفت در معنایی عام بر دوری کردن از هر چیزی که حلال نیست (الْكَفُّ عَمَّا لَا يَحِلُّ) اطلاق شده است.^۲

عفت نزد علمای اخلاق، ملکه‌ای نفسانی است که قوه شهویه انسان را مطیع عقل قرار داده است.^۳ امام باقر علیه السلام فرمود: «مَا عَيْدَ اللَّهِ بِشَيْءٍ أَفْضَلَ مِنْ عِقَّةِ بَطْنٍ وَفَرَجٍ؛^۴ خداوند به چیزی برتر از عفت شکم و شرمگاه، عبادت نشده است.»

همچنین امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِعَبْدٍ خَيْرًا أَعَفَّ بَطْنَهُ عَنِ الطَّعَامِ، وَفَرَجَهُ عَنِ الْحَرَامِ؛^۵ هرگاه خداوند خوبی بنده ای را بخواهد، شکمش را از خوراک [حرام] و شهوتش را از کار حرام پاک نگه دارد.»

۳. تفقه (فهم عمیق): تفقه به معنای تلاش و کوشش برای فهمیدن است.^۶ در سوره توبه این‌گونه آمده است: «وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرْنَا مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ»؛^۷ شایسته نیست مؤمنان همگی (به‌سوی میدان جهاد) کوچ کنند؛ چرا از هر گروهی از آنان، طایفه‌ای کوچ نمی‌کند (و طایفه‌ای در مدینه بماند)، تا در دین (و معارف و احکام اسلام) آگاهی یابند و به‌هنگام بازگشت به‌سوی قوم خود، آنها را بیم دهند! شاید (از مخالفت فرمان پروردگار) بترسند، و خودداری کنند!

در اینجا قرآن می‌خواهد مسلمانان را به دو گروه تقسیم کند: گروهی به جهاد بروند و گروهی به آموزش تعالیم دین بپردازند. از نگاه همه مفسران، «تفقه» در این آیه شریفه به معنای «شناخت و یادگیری همه گزاره‌های دینی» است و نمی‌توان تنها فقه به معنای اصطلاحی را که تنها بخش احکام است، از آن فهمید. در زمان شأن نزول آیه، فقه به معنایی که بعدها پیدا شد، وجود نداشت.

۱. حسن انوری، فرهنگ بزرگ سخن، ذیل واژه عفت.

۲. ابن منظور، لسان العرب، ذیل واژه عفف.

۳. ملامهدی نراقی، پیشین، ج ۱، ص ۱۰۸-۱۰۹، ۹۴.

۴. محمدبن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۷۹.

۵. عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۲۸۹.

۶. حسین راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ص ۶۴۳.

۷. توبه: ۱۲۲.

۴. دوری از مجادله: جدل در لغت به معنای ستیزه‌جویی، سخت‌گیری در خصومت و قدرت داشتن بر آن، شدت یافتن دشمنی، مقابله حجت با حجت، نزاع، مناقشه و مناظره است.^۱ ابن‌ابی‌الحدید معتزلی نیز در معنای جدال می‌گوید: «گفت‌وگویی است که حق در آن قصد نشده باشد، بلکه هدف از آن اثبات رأی و نظر خود باشد که به مجادله و نزاع بینجامد.»^۲

مجادله مذموم یا همان مراء، مربوط به پافشاری بر اعتقاد شخصی هنگام گفت‌وگو و اصرار بر حقانیت خود و اثبات اشتباه طرف مقابل می‌شود. علت نهی از مجادله را بدبینی و خصومت میان فرد مجادله‌گر و برادران دینی بیان شده است.

پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «أَوْرَعُ النَّاسِ مَنْ تَرَكَ الْمِرَاءَ وَإِنْ كَانَ مُحِقًّا»^۳ پارساترین مردمان، کسی است که مجادله را رها کند هر چند حق با او باشد. مجادله می‌تواند آسیب‌هایی زیادی به همراه داشته باشد که در ادامه به برخی از این موارد اشاره می‌شود:

۱. تخریب اعتماد: جدال‌های مداوم و طولانی مدت، اعتماد متقابل را بین افراد از بین می‌برد و باعث می‌شود که طرفین دیگر نتوانند به راحتی به یکدیگر اعتماد کنند؛

۲. ایجاد فاصله: اختلافات و جدال‌ها، فاصله عاطفی بین افراد را افزایش می‌دهند و به مرور زمان، روابط را سرد و بی‌روح می‌کنند؛

۳. تکرار چرخه منفی: جدال‌ها اغلب به یک چرخه معیوب تبدیل می‌شوند و هر بار با شدت بیشتری تکرار می‌شوند. این چرخه منفی، روابط را به سمت نابودی سوق می‌دهد؛

۴. کاهش کیفیت زندگی: زندگی در محیطی پر از تنش و جدال، می‌تواند به شدت بر کیفیت زندگی افراد تأثیر بگذارد و باعث ایجاد استرس، اضطراب و افسردگی شود؛

۵. تخریب روابط خانوادگی: جدال‌های خانوادگی، یکی از مهم‌ترین عوامل تخریب روابط خانوادگی و ایجاد مشکلات روانی برای اعضای خانواده است.

آنچه در این امر توصیه می‌شود آن است که بخش‌های دیگر این حدیث، توسط مخاطبان

۱. علی اکبر دهخدا، لغت نامه، ذیل واژه.

۲. ابن‌ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۹، ص ۲۸.

۳. شیخ صدوق، الأمالی، ص ۴۱.

مورد مطالعه قرار گیرد و از مضامین عالی آن برای داشتن یک زندگی توحیدی بهره‌مند گردند.

کتابنامه

قرآن کریم

نهج البلاغة

۱. ابن سعد، محمد، الطبقات الكبرى، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۰ ق.
۲. ابن حنبل، احمد، مسند ابن حنبل، بیروت: مؤسسه الرساله، ۱۴۱۶ ق.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دار صادر، ۱۴۱۴ ق.
۴. انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن، تهران: انتشارات سخن، ۱۳۹۰ ش.
۵. ابن شعبه الحرانی، الحسن بن علی بن الحسین، تحف العقول، تهران: دارالکتب اسلامی، ۱۳۸۴ ش.
۶. داورپناه، ابوالفضل، انوار العرفان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات صدر، ۱۳۷۵ ش.
۷. دهخدا، علی اکبر، امثال و حکم، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۳ ش.
۸. الله بی، محمد بن احمد، تاریخ الاسلام، بیروت: دار الکتب العربی، ۱۴۱۳ ق.
۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، تهران: انتشارات مرتضوی، ۱۳۷۵ ش.
۱۰. صدوق، علی بن محمد، علل الشرایع، قم: کتابفروشی داوری، ۱۳۸۵ ق.
۱۱. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ ق.
۱۲. طیب، سید عبدالحسین، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات اسلام، ۱۳۷۸ ش.
۱۳. عطار نیشابوری، فرید الدین، پندنامه، تهران: انتشارات زوار، ۱۳۸۶ ش.
۱۴. فیض کاشانی، ملا محسن، المحججة البیضاء فی تهذیب الاحیاء، قم: انتشارات جامعه مدرسین، ۱۳۸۳ ق.
۱۵. قرآتی، محسن، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۳ ش.
۱۶. لیشی واسطی، علی بن محمد، عیون الحکم و المواعظ، قم: دار الحدیث، ۱۳۷۶ ش.
۱۷. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۱۸. محدث قمی، عباس، مفاتیح الجنان.

۱۹. محقق، محمدباقر، نمونه بینات در شأن نزول آیات از نظر شیخ طوسی و سایر مفسرین خاصه و عامه، تهران: انتشارات اسلامی، ۱۳۶۱ ش.
۲۰. ابن حجر عسقلانی، ابوالفضل احمد، الإصابه فی تمییز الصحابه، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۰ ق.
۲۱. محمد شیرازی، شمس‌الدین، دیوان حافظ، تهران: ذهن آویز، ۱۳۸۵.
۲۲. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: وزارت ارشاد، ۱۴۱۶ ق.
۲۳. مکارم‌شیرازی، ناصر و جمعی از فضلا، برگزیده تفسیر نمونه، تنظیم احمد علی بابایی، تهران: دارالکتب اسلامی، ۱۳۸۶ ش.
۲۴. نراقی، احمد بن محمد مهدی، کتاب معراج السعاده، مقدمه محمد نقدی، قم: انتشارات هجرت، بی تا.
۲۵. نراقی، مهدی، جامع السعادات، مصحح محمد کلانتر، بیروت: مؤسسه الا علمی للمطبوعات، ۱۹۶۷ م.